

# واکاوی ازدواج در کلام و عملکرد امام حسین †

دکتر نیله غروی نائینی / فاطمه همدانیان

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس / کارشناسی ارشد مطالعات زنان

## چکیده

گفتار و رفتار معصومان ۱۰۰٪ بهترین راهنما و الگو برای زندگی انسان‌هاست و به گواه قرآن کریم، پیامبر اکرم . . . بهترین الگو برای همه هستند. امامان ۱۰۰٪ که جانشینان و وارثان آن حضرت می‌باشند، نیز بهترین الگو در عصر و زمان خود و همه زمان‌ها هستند. زندگانی و سخنان گهربار سرور شهیدان جهان حضرت اباعبدالله الحسین †، امام سوم شیعیان که با قیام عظیم خود حیات بخش پیوستار سیره نبوی در تمام طول تاریخ اسلام بودند و خواهند بود، بهترین معلم برای همه انسان‌ها و آزادگان دنیاست. این مقاله با بررسی ازدواج در کلام و سیره آن حضرت، به این نتیجه رسیده است که امام حسین † با حفظ عظمت و جود و زن، هیچ حرجی را در امر ازدواج بر زن نمی‌پذیرد.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج، امام حسین †، معیار ازدواج، ازدواج سیاسی، ازدواج موقت، تعدد

زوجات.

### مقدمه

همان گونه که در بین انسان‌ها مرسوم است، از جمله راه‌های نشان دادن اهمیت یک عمل و ترغیب مردم به انجام آن به مثابه یک الگو، انجام آن عمل توسط انسان‌های برجسته و شاخص آن جامعه همانند علما، والیان و حاکمان است.

رسول خدا . . . در بیان جایگاه ازدواج و ترغیب مردم به آن، اعلام می‌دارد که ازدواج سیره و روش من و انبیا و اولیاست. آن حضرت تأسی به ائمه هدی و حضرات معصومین  $\%00$  را در شئون عمل به دستورات و حرکت در مسیر رسالت می‌داند. همچنین می‌فرماید: ازدواج کنید و توجه داشته باشید که اگر از ازدواج روی گردانید، نمی‌توانید از پیروان آیین من باشید: «فإن التزویج سنّة رسول الله . . . فإنه کان یقولُ مَنْ کان یجب أن یتبع سنتی فإن من سنتی التزویج.» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۳) و در کلامی دیگر، با صراحت بیشتر ازدواج را سنت خویش قرار داده، ترک آن را خروج از دایره سنت نبوی بیان فرموده‌اند: «الکناح سنّتی فَمَنْ رَغِبَ عن سنتی فلیس مِنّی.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰) ائمه اطهار  $\%00$  نیز در سیره خود استمرار سنت پیامبر را مد نظر قرار داده‌اند. کلام و عملکرد امام حسین  $\dagger$  که سبط نبی اکرم اسلام . . . و امام سوم شیعیان هستند، گویای این نکته مهم است.

این مقاله ابتدا به بیان ازدواج در دوران پیش از اسلام و ادیان می‌پردازد، سپس به ویژگی‌های ازدواج اشاره می‌کند و در ادامه، این موضوع را در گفتار و سیره امام حسین  $\dagger$  پی می‌گیرد.

### تاریخچه ازدواج

برای ورود به بحث ازدواج در کلام و رویکرد امام حسین † ابتدا تاریخچه کوتاهی از چگونگی ازدواج در ادیان و دوران پیش از اسلام ارائه می‌گردد.

#### الف. در یهودیت

در یهودیت، ازدواج به معنای کامل شدن و اوج رشد انسانی است. بر پایه تعالیم یهود، یک مرد بدون همسر و یک زن بدون شوهر، انسان‌هایی کامل نیستند و با ازدواج و پیوند زناشویی از شکل ناقص به وجودی کامل تبدیل می‌شوند. در آیین یهود، ازدواج با محارم مجاز می‌باشد. (تلمود کنووت، باب ۱ و ۱۴) ازدواج در میان کلیمیان دارای مراسمی مخصوص با آدابی مربوط به آن است، که از آن جمله می‌توان به مهریه زن که «کتوباه» نام دارد و «چاپاه» (پارچه‌ای سفید و نماد روشنائی که بر روی چارچوب از هر طرف و بر روی سر عروس و داماد قرار می‌گیرد و نماد خانه و زندگی جدید زوج جوان است) یاد کرد.

#### ب. در مسیحیت

مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می‌شوند که یکی شدن مرد و زن را نشانه آشکاری برای محبت خدا به بشر و محبت مسیح به شاگردانش قرار دهند. به همین علت، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمارند و با طلاق و ازدواج مجدد در زمان حیات همسر مخالفند. (میشل، ۱۳۷۷، ص ۹۵) گرچه ازدواج در مسیحیت پدیده‌ای مقدس محسوب شده، سرّ عظیم نامیده می‌شود، اما در برابر آن، دوری گزیدن از ازدواج امری پسندیده‌تر است. شخص مجرد با تمام توان به خدمت خداوند می‌رسد و با کم کردن مشغله‌های دنیوی

و زندگی، خود را شبیه عیسی  $\text{✝}$  و مریم مقدس می‌سازد. (پطرس، ۱۸۸۲، ص ۳۴۵) به همین دلیل است که کشیشان از ازدواج دوری می‌کنند. بنا بر دیدگاه انجیل، ازدواج تنها وسیله‌ای برای دفع شهوت و جلوگیری از معصیت است و خود ارزشمند نیست و نگاه به ازدواج به عنوان وسیله‌ای برای حفظ پاکی و تأمین نیازهای جسمی است. (سکری سرور، [بی‌تا]، ص ۶۸)

### ج. در ایران باستان

در زمان ساسانیان، نوع اصلی ازدواج ایرانی «زنی پادِ خشای» خوانده می‌شد که در واقع، انتقال قیمومیت دختر از پدر به شوهر بود. انواع دیگری از ازدواج نیز وجود داشتند؛ از جمله «چَگِر» و این زمانی اتفاق می‌افتاد که شوهر توانایی فرزندآوری نداشت و زن خود را به عنوان همسر موقت به یکی از نزدیکان می‌داد تا فرزند آورد. (دریایی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲) نوع دیگری از ازدواج که باعث بحث و جدل‌های زیادی در عصر حاضر گشته، «خویدوده» بود که از دواج با محارم است. (همان، ص ۱۷۷)

### د. در اسلام

از دیدگاه اسلام، ماهیت ازدواج یک قرارداد و پیمان با شرایطی ویژه است (نجفی، ۱۳۶۵، ص ۵-۸) و بسیار پسندیده و مطلوب است و از منظر فقه اسلامی، عملی مستحب و چه بسا مستحب مؤکد و در برخی موارد واجب شمرده می‌شود. (مشکینی، ۱۳۶۶، ص ۱۰)

از دواج از راه‌های تأمین صفاتی همچون عفت و حیاست. اسلام با تشریح ازدواج، مسیر رسیدن به عفت و حیا را هموار می‌سازد؛ بدین صورت که ازدواج را بهترین و طبیعی‌ترین راه تأمین نیازهای جنسی معرفی می‌کند. در میان شیعیان، نوعی از ازدواج (معروف به ازدواج

موقت) به نام «متعّه» وجود دارد که در آن عقد ازدواج برای مدتی معین و محدود بین زن و مرد بسته می‌شود و علما و اندیشمندان اسلام این نوع ازدواج را یک ضرورت اجتماعی می‌دانند. (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۶۷)

### فضایل ازدواج

در فضیلت و اهمیت ازدواج، پیامبر اکرم . . . فرمود: ارزش هیچ چیز نزد خداوند متعال، به اندازه خانه‌ای نیست که برای ازدواج ساخته می‌شود.<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۲۸)

در همین حیثه، حضرت امام صادق † نقل می‌کند: مردی به حضور پدرم امام باقر † آمد. پدرم از آن مرد سؤال نمود: آیا همسر داری؟ جواب داد: نه. پدرم فرمود: من دوست ندارم که دنیا و آنچه در آن است از آن من باشد و من در عوض، فقط یک شب بدون همسر زندگی کنم. سپس امام پنجم فرمود: دو رکعت نماز شخص متأهل بهتر از شب زنده‌داری شخص مجرد است که تمام شب را به نماز ایستاده و روزش را به روزه‌داری بپردازد. (بابازاده، ۱۳۷۰، ص ۱۲۲)

از امام علی † روایت شده که فرمودند: ازدواج کنید که ازدواج کردن سنت رسول خدا . . . است که همواره می‌فرمود: «هر کس دوست دارد از سنت من تبعیت کند، ازدواج کردن از سنت من است.» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۴)

اسلام به پسر و دختر امر می‌کند که هر چه سریع‌تر ازدواج کنند و آن قدر این مهم تأکید شده است که رسول گرامی . . . ازدواج نکردن را اعراض از سنت خویش، یعنی خروج از اسلام قلمداد می‌کند و خانه‌ای را که در آن ازدواج صورت پذیرد بهترین خانه می‌داند.

---

۱. ما من شیء أحبّ إلى الله عز و جلّ من بیت یعمّر بالنکاح.

ازدواج و حفظ نسل مسلمانان مورد فخر و مباهات پیامبر اکرم . . . است چنان که فرمودند: ازدواج کنید و تشکیل خانواده بدهید و تولید نسل نمایید که من در روز قیامت به شما مباهات می کنم، حتی به طفل کوچکی که سقط شده باشد.<sup>۱</sup> (مظاهری، ۱۳۷۵، ص ۹۰)

یک انسان متأهل علاوه بر تعب و پیروی از دستورات پروردگار جهانیان و پیشوایان معصوم ۱۰۰٪، با ازدواج، خویش را سعادتمند نموده و از مرز انزوا و تجرد به کانون مسئولیت قدم می گذارد؛ زیرا انسان مجرد اعتبار چندانی در میان اجتماع ندارد و درد مردم را دقیقاً نمی فهمد.

امام علی بن موسی الرضا **†** در تأکید بر امر ازدواج فرمودند: زنی به حضور امام باقر **†** آمد و عرض کرد: من متبته هستم. امام باقر **†** فرمودند: منظورت از تبته چیست؟ گفت: قصد دارم ابداً ازدواج نکنم. فرمودند: برای چه؟ گفت: می خواهم در فضل و کمال برتری جویم. امام فرمودند: از این کار منصرف شو، که اگر در ازدواج نکردن برتری باشد، قطعاً حضرت فاطمه **f** به ازدواج نکردن از تو سزاوارتر بود، در صورتی که احدی از نظر فضل و برتری از حضرت فاطمه **f** سبقت نگرفته است. (صفری، ۱۳۷۱، ص ۳۰)

ازدواج باعث وسعت رزق در زندگانی است و درهای رحمت و بخشش با ازدواج گشوده می گردد. چنان که امیرالمؤمنین علی **†** می فرماید: روزی را به وسیله ازدواج جست و جو کنید.<sup>۲</sup> (همان) و با زنان تزویج کنید که ایشان سبب روزی هستند.<sup>۳</sup> (همان)

۱. تناکحوا و تناسلوا فإنی ایاهی بکم یوم القیامة ولو بالسقط.

۲. التمسوا الرزق بالنکاح.

۳. تزوّجوا النساء فآتیهنّ یا تینّ بالمال.

### ازدواج، یک هویت دینی

ارزش ازدواج به عنوان هویت دینی وقتی روشن می‌شود که گوشه‌ای از اسرار نکاح و رموز ازدواج از زبان صاحب وحی بازگو شود تا معلوم گردد که زن نه ملعبه مرد است، نه وابسته و نه ابرار، بلکه همچون بنیان مرصوصی است که مرد را از پرتگاه دوزخ می‌رهاند و از انحراف نجات می‌دهد، و با هم از خطر تیرگی و تاریکی آسوده می‌شوند و هماهنگ با هم راه فلاح و صلاح و نجات را طی می‌کنند و از طلاح و تباه و تبار می‌رهند. رسول اکرم حضرت محمد بن عبدالله . . . چنین می‌فرماید: مردی که با زنی ازدواج نماید و زنی که با مردی عقد زناشویی ببندد، هر کدام نصف دین خود را حفظ نموده‌اند.<sup>۱</sup> (بروجردی، ۱۳۸۰، ج ۲۰، ص ۸) یعنی هویت مرد برای زن در نکاح و نیز هویت زن برای مرد در ازدواج، یک هویت دینی است نه غریزه و آمیزش حیوانی که در هر نر و ماده‌ای یافت می‌شود. نیز پیامبر گرامی . . . می‌فرماید: هیچ جوانی نیست که در عنفوان جوانی ازدواج نماید، مگر آنکه شیطان مراقب او ناله برمی‌آورد که: او دو سوم دین خود را از من حفظ نموده است، بنده خدا بعد از ازدواج باید درباره یک سوم دیگر دین خود پرهیزگار باشد.<sup>۲</sup> در این حال، مرد با ازدواج و بستن پیوند زندگی مشترک با زن جوان، بخش مهم دین خود را حفظ می‌نماید. چنین نگرش ملکوتی به زن و نگاه الهی به ازدواج و بینش آسمانی به تشکیل کانون مشترک زناشویی، هرگز مرد را وابسته یا آزاد نمی‌بیند و زن را نیز از نگاه وابستگی و ابزاری مصون می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۵۱)

۱. من تزوج احرز نصف دینه.

۲. ما من شاب تزوج فی حدائیه سنه الاعج شیطانه؛ یا وبله عصیم منی ثلث دینه، قَلَيْتَقِ اللهُ الْعَبْدِ فِي ثَلَاثِ الْآخِرِ.

### فطری بودن ازدواج

منشأ هستی انسان این است که خداوند آدم و سپس از همان جنس حواریا آفرید، تا همسرگیری همراه با وجود یافتن و هستی انسان شروع شود. خداوند متعال فرموده است: «خداوند شما را از یک نفس آفرید و از آن همسر او را خلق کرد.» (نساء: ۱) بنابراین، سرشت و طبیعت مخلوقات در این جهان همسرگیری و ازدواج است نه تنهایی و تنهازیستن.

ازدواج بدین طریق جاری گردید و همه عناصر هستی از انسان و حیوان تا گیاه و دیگر مخلوقات جفت آفریده شدند، چنان که می فرماید: «از هر چیزی جفت آفریدیم، باشد که به خود آید.» (ذاریات: ۴۹) و «منزه است خدایی که همه جفت‌ها را، چه آنچه که از زمین می‌روید یا از [جنس] خودتان و چه آنچه نمی‌دانند، آفرید.» (یس: ۳۶)

نکاح و ازدواج از سنت‌های اجتماعی است که همواره و تا آنجا که تاریخ بشر حکایت می‌کند در مجتمعات بشری وجود داشته و این خود به تنهایی دلیل بر این است که ازدواج امری است فطری، نه تحمیلی از ناحیه عادت و یا ضروریات زندگی و یا عوامل دیگر.

علاوه بر این، یکی از محکم‌ترین دلایلها بر فطری بودن ازدواج، مجهز بودن ساختمان جسم (دو جنس نر و ماده) بشر به جهاز تولید و تناسل است و علاقه هر یک از دو جنس به جذب جنس دیگر به سوی خود یکسان است، هر چند که زنان جهاز دیگری اضافه بر مردان در جسم و روحشان دارند؛ در جسمشان، جهاز شیر دادن و در روحشان، عواطف فطری ملایم و این بدان دلیل است که تحمل مشقت اداره و تربیت فرزند برایشان شیرین شود.

علاوه بر این، چیز دیگری در نهاد بشر نهفته است که او را به سوی محبت و علاقه‌مندی به فرزند می‌کشاند، و این حکم تکوینی را به وی می‌قبولاند که انسان با بقای نسلش باقی است و باورش می‌دهد که زن برای مرد و مرد برای زن مایه سکونت و آرامش است و



وادارش می‌سازد که بعد از احترام نهادن به اصل مالکیت و اختصاص، اصل وراثت را محترم بشمارد و مسئله تأسیس خانه و خانواده را امری مقدس بشمارد.

مجموعاتی که این اصول و احکام را محترم می‌شمارند سنت نکاح و ازدواج را نیز می‌پذیرند. اگر چه در هر اجتماعی نکاح و ازدواج به شیوه‌های گوناگون مطرح می‌شود، اما همه این اجتماعات خاصیت نکاح را که همانا نوعی همزیستی و ملازمت بین زن و شوهر است محترم می‌شمرند.

### نقش ازدواج در زندگی

مسئله ازدواج و انتخاب همسر برای پسران و دختران جوان از مهم‌ترین مسائل حیاتی است. پیوند زناشویی در زندگی انسان‌ها نقطه عطفی است که ممکن است صدها پیروزی و کامیابی یا شکست و ناکامی در پی داشته باشد. یک ازدواج خوب و شایسته می‌تواند مایه آسایش جسم و آرامش روان گردد، اساس سعادت و بهروزی پسران و دختران را بنیان نهد و موجبات خوشبختی و شادکامی آنان را تا پایان زندگی فراهم آورد و یک ازدواج بد و نامتناسب ممکن است منشأ بزرگ‌ترین نگرانی و ناراحتی گردد، بنای بدبختی و تیره‌روزی جوان را پایه‌گذاری کند و در سراسر عمر مایه سخت‌ترین شکنجه و عذابش گردد.

زناشویی در ردیف نظم‌هایی قرار دارد که آفریدگار جهان اساس آن را بنا نهاده است. هیچ امری در زندگی نمی‌تواند به اندازه ازدواج، بهروزی یا تیره‌بختی به بار بیاورد و در جهان برای هیچ چیز دیگری به اندازه ازدواج لازم نیست که انسان روح و قلب خود را آماده سازد.

(بیج، [بی تا]، ص ۸۴)

## همسران امام حسین †

آثار روایی و تاریخی، برای امام حسین † پنج همسر نام می‌برند که شش فرزند از ایشان به دنیا آورده‌اند:

۱. «لیلا» دختر ابی مرّة بن عروه، مادر علی اکبر † که در کربلا به شهادت رسید.

۲. «حرار» (آزاده) یا غزاله و یا شهربانو، دختر یزدگرد که مادر علی بن حسین † (امام سجاد †) می‌باشد.

۳. «رباب» مادر عبدالله رضیع (معروف به علی اصغر) که در آغوش پدر در کربلا هدف قرار گرفت و شهید شد و نیز مادر دختری به نام سکینه که در واقعه کربلا به اسارت در آمد.

۴. «ام اسحاق» دختر طلحة بن عبیدالله که مادر دختری به نام فاطمه صغری (حضرت رقیه *f*) است.

۵. «قضاعیه» مادر جعفر که در زمان حیات امام † در گذشت.

## حسین †، آبروی همیشه تاریخ

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لُفَى زَلَالٍ مُبِينٍ.» (آل عمران: ۱۶۴)

حسین † با نثار خون خویش در محکمه تاریخ انسانیت شهادت داد که ایمان و آگاهی و شناخت، موجب به وجود آمدن مسئولیت می‌شود، نه قدرت و امکان. پس هر کس که بیشتر آگاه است، بیشتر مسئول می‌باشد. بدین سان، امام حسین † آبروی انسانیت و تاریخ را برای همیشه خرید و بیمه کرد. خون سیدالشهدا † در منتهای پاکی در چشمه سار عشق

و محبت به خدا در جویبار والای اهل بیت عصمت و طهارت روان شد و شهادت آن حضرت چراغی منور و روشن گردید که در دل تمامی پیروانش تا ابد روشنگر است.

حرکت امام حسین † در قالب یک مکتب، حرکتی احیاگرانه است که تمام ابعاد ریز و درشت زندگی انسانی در آن منجلی است. یکی از زیر شاخه‌های این ابعاد، ازدواج است که به بحث و بررسی گذاشته خواهد شد.

### سنت پیامبر... و ازدواج

در ورود به این بحث، تعداد و چگونگی ازدواج‌های پیامبر... مورد سؤال است.

پیامبر اکرم... در طول زندگی مبارکش با ۱۱ زن ازدواج نمودند که هر کدام در شرایطی خاص و زمانی ویژه صورت گرفته است:

آن حضرت در سن ۲۵ سالگی با حضرت خدیجه که ۴۰ ساله بودند ازدواج نمودند و تا آخر عمر ایشان (یعنی ۲۵ سال) با زن دیگری ازدواج نکردند. پیامبر عظیم‌الشأن پس از ۵۰ سالگی که دوران کهنوت ایشان بوده است با زنان متعدد ازدواج نموده‌اند و این خود حاکی است که جنبه‌های دیگری غیر از موارد جنسی مد نظر آن حضرت بوده است.

(ابن هشام، ۱۳۶۱، ص ۲۰۴)

در میان همسران ایشان، تنها یکی از آنها (عایشه) باکره بوده است، در حالی که ازدواج با او جنبه سیاسی داشته است. (همان)

ازدواج ایشان با زانی همچون ام حبیبه، دختر ابوسفیان، یا حفصه، دختر عمر، به خاطر تقویت اسلام و حمایت قبیله آنها از ایشان و ایجاد اختلاف در بین صفوف دشمنان و تضعیف آنها بوده است. (طبری، ۱۳۶۸، ص ۵۲)

بعضی از ازدواج‌های آن حضرت در راستای حفظ کرامت و شخصیت زنان بوده است.  
(واضح، ۱۳۵۶، ص ۳۰۸)

برخی دیگر، زنانی بودند که شوهرانشان به شهادت رسیده و فرزندان داشتند. حضرت برای سرپرستی آنها و یتیمانشان اقدام به ازدواج با آنها نمودند. (همان)

بعضی آرزوی ازدواج با پیامبر . . . را داشتند و وضعیتشان به گونه‌ای بود که جواب منفی آن حضرت، در آنها ایجاد عقده حقارت می‌کرد و آنان را از زندگی فلج می‌نمود. خداوند این محدودیت را از ایشان برداشته بود و با اجازه به ایشان، موجب رفع مشکلات زنان بی‌پناه شدند. (همان)

بعضی از ازدواج‌های پیامبر عظیم‌الشان . . . شکستن سنت‌های جاهلی بوده است.  
(طبری، ۱۳۶۸، ص ۱۰۲)

بعضی هم صرفاً در مراسم عقد یا خواستگاری متوقف شدند و همین مسئله موجب آثار مثبت برای آنان گردید. (ابن هشام، ۱۳۶۱، ص ۲۰۵)

بعضی از ازدواج‌های آن حضرت برای رفع یک سلسله مشکلات و گره‌گشایی اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی و سیاسی بوده است، محیط عصر پیامبر . . . و سایه افکندن بعضی خرافات جاهلی، می‌طلبید که پیامبر . . . با سرپنجه تدبیر، از جمله ازدواج، به تبدیل و تغییر در آن محیط جاهلی دست بزنند. (همان)

بعضی از ازدواج‌ها برای کاستن عداوت و طرح دوستی با اقوام یا گسترش اسلام و جذب دشمنان بود. در این زمینه، می‌توان به ازدواج پیامبر . . . با جویریّه از طایفه بنی‌مصطلق اشاره کرد. (طبری، ۱۳۶۸، ص ۵۷)

همان گونه که ملاحظه می‌شود، ازدواج‌های آن حضرت هر کدام دلیل خاصی داشته است.

### معیار ازدواج در نگاه امام حسین †

افرادی هستند که در ازدواج هدف‌های حاشیه‌ای را دنبال می‌کنند. این هدف‌ها، در سیر زندگی نه تنها بر آرامش و آسایش آنها نمی‌افزاید، بلکه همچون بلایی علیه آنان به پا برمی‌خیزد. هدف‌هایی نظیر زیبایی زن و سرمایه و فراوانی اموال پدر از این جمله‌اند. حال آنکه امام حسین † در کلامی، معیار در ازدواج را ایمان، اخلاق و ارزش‌های انسانی ذکر می‌نمایند:

شخصی از اهل مدینه در ازدواج خود، با امام † مشورت کرد و گفت: نظر شما در اینکه با فلان زن ثروتمند ازدواج نمایم چیست؟ امام † فرمودند: به صلاح نمی‌بینم که با آن زن ازدواج نمایی.

مشورت کننده به دستور امام † عمل نکرد و همه چیز خود را از دست داد، به گونه‌ای که تحمل زندگی برایش سخت آمد. خدمت امام † آمد و باز از ایشان چاره‌جویی کرد. ایشان فرمودند: من به تو تذکر دادم که با آن زن ازدواج نکنی، از او بگذر و به سراغ همسری دیگر باش که خداوند بهتر از آن را به تو خواهد بخشید.<sup>۱</sup> (راوندی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۴۸)

---

۱. قَدْ أَشْرْتُ إِلَيْكَ، فَخَلَّ سَبِيلَهَا، فَإِنَّ اللَّهَ يَعْوِضُكَ خَيْرًا مِنْهَا، ثُمَّ قَالَ † • وَعَلَيْكَ بِفُلَانَةَ.

سپس رهنمود دادند: ای مرد، با فلان زن ازدواج کن. آن مرد هم به رهنمود امام عمل کرد و صاحب اموال و فرزندانی شد.

اما نکات قابل توجه در کلام و عمل امام **†**:

۱. امام در کلام خویش با نهایت حسن نیت آن مرد را ارشاد کرد و او را از ازدواج با آن زن ثروتمند منع نمود، و این نشان از آن دارد که امام از چنان وسعت بینشی برخوردار است که وراى طبع می‌نگرد.

البته در این زمینه، خود امام هم معیارشان در ازدواج جز ایمان چیزی نبود. ایشان درباره همسرشان رباب **f** می‌فرمایند: «کان اللیل موصول للیل إذا سارت سکینه و رباب» (قمی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۴): تو گویی شب به شب می‌پیوندد آن گاه که سکینه و رباب، به مسافرت می‌روند.

آن حضرت رباب **f** را عاشقانه دوست می‌داشت. در جایی، امام درباره آن بانوی بزرگوار چنین سروده‌اند:

لَعْمُرُكَ إِنِّي لَأُحِبُّ دَارًا تَكُونُ بِه سَكِينَةٌ وَ الرَّبَابُ أَحَبَّهُمَا وَ ابْدَلُ كَلْمَا لِي وَ لَيْسَ لِعَاتِبِ عِنْدِي عِتَابٌ  
ترجمه: قسم به جان تو، آن خانه‌ای را دوست دارم که در آنجا سکینه و رباب سکونت داشته باشند و مکنّت خویش را در راه آنان می‌دهم و در این باره هیچ نکوهش کننده‌ای را بر من نکوهش نیست.

رباب هم، نماد محبت و وفاداری است؛ زنی شاعر و ادیب و قدردان نعمت وجود امام حسین **†**. پس از وقایع جانسوز کربلا، از عمر رباب آنچه باقی بود، به ماتم و اشک گذشت و

هرگز زیر سقفی ننشست و بعد از بازگشت از اسارت، بر سر مزار امام حسین † مقیم شد. او الهه غم بود. آن قدر گریست که دیگر اشک در دیدگانش نماند.

در تأیید کلام امام † و در استمرار سیره نبوی، می‌توان از کلام رسول‌الله . . . یاد کرد. ایشان می‌فرمایند: زن را برای زیبایی‌اش به همسری مگیر؛ چه ممکن است جمال زن باعث پستی و سقوط اخلاقی‌اش شود؛ همچنین به انگیزه مالش با وی پیوند زناشویی برقرار مکن، زیرا مال می‌تواند مایه طغیان وی گردد، بلکه به سرمایه دینش متوجه باش و با زن با ایمان ازدواج کن. (کاشانی، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۸۵) امام علی بن موسی الرضا † نیز به حسین بن بشار - که در نامه‌ای نظر حضرت را درباره یکی از بستگانش که اخلاق خوبی ندارد و به خواستگاری دخترش آمده، جو یا شده بود - می‌فرماید: اگر بداخلاق است، مانع از ازدواجش باش. (طبرسی، ۱۳۵۵، ص ۱۰۳)

۲. امام † به این امر آگاه بود که اساساً ازدواجی که به انگیزه برتری مال یا جمال یا تفوق اجتماعی زن صورت گیرد، برای شوهر مایه پستی و خواری است و اگر آن ازدواج پایدار بماند، مرد تا پایان عمر اسیر احساس حقارت و ذلت خواهد بود. به همین دلیل بود که امام † آن مرد را به مسیری غیر از این سوق دادند.

### مشورت در ازدواج

امر و تصمیم پیامبر و امام نسبت به هر فرد دیگری اولویت دارد؛ چرا که ایشان اولی الامر هستند و در تمام امور فرد، از خودش بر خودش برتر می‌باشند. در قضیه مشورت در ازدواج هم دو نکته در کلام امام پیداست:

۱. امام † از مرد مشورت‌کننده نسبت به خودش اولی و برتر می‌باشند. اما آن مرد مشورت امام را چراغ راه خود قرار نداد و بر طبق هوا و هوس خویش عمل نمود و این به نوعی حاکی از تربیت انسان‌های عصر امام است.

بر اساس تفاوت‌هایی که مردم در تجربه و بینش دارند، مکرر اتفاق می‌افتد افرادی که بالنسبه دانا و باتجربه هستند، مطلبی را صحیح و بر وفق مصلحت تصور می‌کنند و به اتکای فکر و تشخیص خود تصمیم می‌گیرند، ولی زمانی که آن نظریه را با دانایانتر از خویش در میان می‌گذارند و با وی مشورت می‌کنند به نارسایی اندیشه خود پی می‌برند و متوجه می‌شوند که درست فکر نکرده و در بررسی مطالب از جهات بسیاری غافل بوده‌اند.

مشورت با مردان دانا این‌گونه است، حال چه رسد به اولی‌الامر مسلمانان امام حسین **†**، و در امر خطیر و تعیین‌کننده زندگی همچون ازدواج.

۲. نکته بعدی که قابل طرح است مشورت دادن دوباره امام **†** به آن فرد است. امام در جامعه همچون خورشیدی است که باید از آن نور گرفت نه اینکه از آن بی‌بهره بود. امام حسین **†** بر شرایط جامعه خویش و حضور مادی‌گرایی واقف است و در هر لحظه‌ای خود را از مردم دور نمی‌کند. حتی اگر مردم جامعه به ایشان پشت کنند، ایشان باز دست بر شانه‌هایشان می‌گذارد و بر ایشان به نوای ارشاد، داد سخن می‌دهد. امام در برخورد دوم خویش با آن مرد بالحنی امیدوارانه به زندگی و ازدواج، با وی باب سخن گشودند و این در جای خود بیان‌کننده ارزش مشورت در ازدواج و به کار بستن آن می‌باشد نه به زمین نهادن آن؛ آن هم از جانب امام جامعه حسین بن علی **†**.

### سادگی در ازدواج

امروزه یکی از مشکلات جوانان ما ازدواج است، اما هر روز از طرف خانواده پسر و دختر مسائل و آداب و رسوم سخت‌تری پیش پای جوانان گذاشته می‌شود و بسیاری از جوانان نمی‌توانند دین خود را با ازدواج حفظ کنند.



کلام و عملکرد امام حسین † در این حیطة برای ما یک الگوی برتر است. زمانی که پسر برادر آن حضرت از دختر امام خواستگاری کرد، امام فرمود: ای برادرزاده! من منتظر این خواستگاری بودم، با من بیا.<sup>۱</sup>

سپس برادرزاده را با خود به منزل برد. حسن بن حسن † عرض کرد: من فاطمه را برگزیدم. امام هم صیغه عقد را خواندند و ازدواج با همین سادگی سامان یافت.

امام سپس خطاب به برادرزاده خود فرمودند: من هم برای تو دخترم فاطمه را انتخاب کرده بودم؛ زیرا او از دیگر دختران بیشتر به مادرم فاطمه زهرا *f* دختر رسول الله . . . شباهت دارد.<sup>۲</sup> (اصفهانی، ۱۹۶۳م، ج ۱۶، ص ۱۴۲/اربلی، ۱۲۹۴، ج ۱، ص ۵۷۹/ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۰)

این عملکرد امام، حاوی دو پیام است:

۱. سادگی و ساده زیستی و قناعت پیشگی؛

۲. زود ازدواج کردن.

متأسفانه امروزه در امر ازدواج، اخلاق و ایمان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و بیشتر گرایش به سوی تجملات و تشریفات مد نظر است. امام با این عملکرد خود به مردم تمام جوامع در تمام زمان‌ها می‌آموزد: زندگی با تمام تشریفاتش، اگر خدا و ایمانی در آن وجود نداشته باشد، بی‌ارزش است، اما به عکس، زندگی‌ای که مبنای آن بر اساس ایمان ریخته شده باشد، چه بهتر که هر چه سریع‌تر و بدون تشریفات و ساده و صادقانه صورت گیرد.

۱. یا بن أخی قَدْ كُنْتُ أَتَنْتَظِرُ هَذَا مِنْكَ أَنْ تَطْلُقَ مَعِي.

۲. قَدْ اخْتَرْتُ لَكَ فَاطِمَةَ، فَهِيَ أَكْثَرُهُمَا شَبَهًا بِأُمِّي فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ *f*.

### تسریع در ازدواج

ازدواج علاوه بر اینکه پاسخی مناسب به یکی از نیازهای تکوینی به ودیعه گذاشته شده در نهاد و سرشت انسان است و عدم تأمین صحیح آن، نوعی مبارزه غلط و ناصحیح با سرشت خود به شمار می‌رود، باعث تسکین و تکمیل انسان است. پس عدم ارضای صحیح و به موقع این نیاز فطری و درونی، ضررهای جبران ناپذیری را بر روان فرد و روابط او با اجتماع، وارد می‌سازد. ازدواج فرد را از حالت خودمداری، اضطراب و احساس سلطه بر اشیا و اشخاص، باز می‌دارد و موجب بقای سلامت روان و تن و دوری از بسیاری بیماری‌های جسمانی، روانی و انحرافات اجتماعی می‌شود و به همین دلیل است که امام حسین علیه السلام برادرزاده ۲۰ ساله خود را بر مبنای ایمان، برای دختر ۱۷ ساله خود می‌پذیرد و اینچنین در ازدواجشان تسریع روا می‌دارد. (دستی، ۱۳۸۳، ص ۹۳)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که رسول الله . . . فرمودند: ای مردم، جبرئیل از پیشگاه الهی نزد من آمد و گفت: دختران بکر مانند میوه درختند، موقعی که می‌رسند اگر چیده نشوند اشعه آفتاب فاسدشان می‌کند و وزش باد آنها را پراکنده می‌سازد. همین دختران وقتی به حد بلوغ رسیدند و مانند زنان در خویش تمایل جنسی احساس نمودند، دارویی جز شوهر ندارند و اگر همسر نگیرند از فساد ایمن نیستند؛ چه آنکه بشوند و بشر از خطا و لغزش مصون نیست. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۳۷)

علت اینکه اسلام، ازدواج کردن را به منزله به دست آوردن نصف ایمان معرفی می‌کند، بدین سبب است که غریزه جنسی نیرومندترین و سرکش‌ترین غریزه انسانی است و به تنهایی با دیگر غرایز، برابری می‌کند و انحراف از آن نیمی از دین و ایمان انسان را به خطر خواهد انداخت، و گر نه خود ازدواج، در اصل، یک عمل مستحب مؤکد است. وجوبش زمانی

است که انسان با ترک آن به گناه، زحمت و مشقت بیفتد؛ از این رو، مجرد ماندن جایز است. اما بروز شخصیت اجتماعی، مذهبی و پیشرفت دنیوی و اخروی انسان با ازدواج میسر می شود؛ چون اساس شخصیت اجتماعی و مذهبی هر شخص تا حدی به ازدواج وی بستگی دارد و بدون ازدواج کمتر کسی می تواند در جامعه، شخصیتی مطلوب و مورد توجه و اعتماد مردم پیدا کند و ایمان خود را از گزند انحراف های جنسی، و افکار و عواطفش را از اضطراب ها، عقده ها و حسادت ها حفظ نماید.

بنابراین، نه تنها ازدواج مانع رشد و استفاده از اوقات زندگی و جوانی نمی شود، بلکه باعث فراهم کردن زمینه برای رفع بسیاری از نگرانی ها و تشنگی افکار و انحرافات فکری و اخلاقی می گردد و در نتیجه، بهتر می توان از جوانی بهره گرفت. طبق آمار و ارقام جهانی، در برخی کشورها، سن ازدواج را به طور رسمی پایین آورده اند تا میزان مشکلات جوانان را کاهش دهند. (فلسفی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۶)

### پسران و انتخاب همسر، دختران و انتخاب شوهر

از بررسی این ازدواج مقدس که امام حسین † باعث و بانی آن است، برمی آید که پسران جوان پیش از آنکه دختری را برای همسری خود نامزد کنند، باید از ریشه خانوادگی و طرز تربیت های ایمانی و اخلاقی اش تحقیق نمایند و بدانند که نباید از مشاهده صورت زیبا و اندام موزون و حرکات دلنشین دوشیزه ناشناخته ای خودباخته و مسحور شوند و بدون احراز شایستگی و صلاحیت، با وی پیمان ازدواج برقرار کنند.

روزی رسول اکرم . . . به مردم فرمود: بپرهیزید از گیاهان سبز و خرمی که در سرگین پرورش یافته است. عرض شد: یا رسول الله، مقصود از این سخن چیست؟ فرمودند: زن زیبا

و خوب رویی است که در خانواده بد و محیط فاسد پرورش یافته است. <sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۳۲)

دختران جوان نیز باید در انتخاب همسران خود متوجه جهات ایمانی و اخلاقی باشند و از ازدواج با پسران آلوده و گناهکار پرهیزند و موجبات ناکامی و بدبختی خویش را فراهم نیاورند. البته برای اینکه پدران نادان و ناآگاه از قدرت خویش در این حیثه سوء استفاده نمایند و ازدواج نامتناسبی را به دختران خویش تحمیل نمایند، پیشوای گرامی اسلام به آنها هشدار می‌دهد.

رسول اکرم . . . فرمودند: آن کس که دختر خود را به ازدواج مرد فاسقی درآورد، با این عمل از وی قطع رحم نموده است. <sup>۲</sup>

و ما مشاهده می‌نماییم که در ازدواج پسر بزرگوار امام حسن مجتبی <sup>†</sup> و دختر گرامی و کریمه امام حسین <sup>†</sup> که در کمال ایمان صورت گرفت و وجود مبارک امام حسین <sup>†</sup> بر آن نظارت داشتند تماماً و کمالاً سیره و روش رسول الله . . . اجرا شده است.

### درايت امام در حيطه ازدواج سياسي

آن زمان که روزگار به کام معاویه شد، یزید پسر معاویه به انواع خوش گذرانی‌ها و عیش و نوش‌ها همچون زن پرستی و می‌گساری مشغول بود.

۱. قال رسول الله خطيباً فقال: أيها الناس إياكم وخضراء الدمن. قيل يا رسول الله وما خضراء الدمن. قال المرأة الحسناء في منبت السوء.

۲. قال رسول الله . . . : من زوج كريمته من فاسق فقد قطع رحمها.

یکی از بستگان معاویه به نام عبدالله بن سلام زنی بسیار زیبا به نام «ارینب» داشت که دختر عموی عبدالله هم بود. او در زیبایی و فتانت و ادب و کمال در منطقه عراق زبانزد خاص و عام بود. یزید خوش گذران و زن پرست که وصف خوبی و لطافت چهره ارینب را شنیده بود، به ناگاه تصمیم گرفت آن زن خوب رو را از نزدیک ملاقات کند. بدین منظور، ناگهانی از شام به عراق حرکت کرد و به هر تدبیری ارینب را از نزدیک دید و حالش دگرگون شد. پس از مدتی، معاویه که از ماجرا اطلاع یافته بود، عبدالله بن سلام را به شام احضار کرد و قول دختر خود «زَمَلَه» و سکونت در قصر مجاور خودش را به وی داد و از وی خواست که همسرش ارینب را طلاق دهد. عبدالله چنین کرد و ارینب هم به مدینه نزد پدرش بازگشت. پس از آن، معاویه به ابوهیره مأموریت داد به مدینه برود و از ارینب خواستگاری نماید و مهریه ارینب را یک میلیون درهم تعیین نمود.

در راه مدینه، ابوهیره با امام حسین † برخورد داشت و ماجرا را به ایشان گفت. امام هم که از سیاست بازان بنی امیه اطلاع داشت که چگونه نوامیس مردم را بازیچه خود قرار می دهند و زن و شوهری را که زندگی آرام و گرمی داشتند از یکدیگر جدا می سازند تا به هوس بازی های زود گذر خود برسند، برای حفظ ارینب و بازگرداندن او به شوهرش عبدالله بن سلام، چاره ای اندیشید: ازدواج سیاسی با ارینب! اگر امام † از ارینب خواستگاری و با وی ازدواج می کرد، دیگر معاویه و یزید نمی توانستند کاری از پیش ببرند. از این رو، امام † به ابوهیره فرمودند: از طرف من هم از ارینب خواستگاری کن. ابوهیره نزد ارینب رفت و گفت: معاویه تو را برای ولیعهد خود یزید می خواهد و امام حسین † نیز از تو خواستگاری کرده است. ارینب که از فساد یزید مطلع بود، ازدواج با امام † را ترجیح داد و

با حضرت اباعبدالله **†** ازدواج کرد. ولی امام **†** به ارینب فرمودند که فعلاً در خانه پدرش بماند و به هیچ وجه با او ملاقات نکنند. معاویه هم که از ماجرا مطلع شد و نقشه‌اش را ناکام یافت، سخت بر آشفت و ابوهریره را به بی‌لیاقتی متهم کرد و عبدالله را از قصرش خارج نمود. عبدالله با حالی نزار و غمگین عازم عراق شد، ولی در راه فکر کرد نزد ارینب برود و صندوقچه جواهری را که به دست او به امانت داده بود بگیرد و با آن تا آخر عمر زندگی کند. از این رو، وقتی به عراق رسید، شرمنده به حضور امام **†** آمد، و تقاضای خود را مطرح کرد. امام حسین **†** فرمود: «خوب است این کار در حضور هر سه نفر صورت گیرد.»

وقتی امام حسین **†** ارینب و عبدالله را رو در رو نشانید، عبدالله از شدت خجالت سر بالا نکرد تا اینکه امام **†** موضوع را مطرح کردند. ارینب گفت: «راست می‌گوید.» صندوق را گشودند، همان بود که عبدالله گفته بود.

عبدالله گفت: «ای ارینب، من به تو بد کردم. بنابراین، مقداری از این جواهرات را به تو می‌دهم شاید تو مرا ببخشی.» و آنگاه اشک ریخت.

امام حسین **†** فرمودند: ای پسر سلام، من خوب حلال‌کننده‌ای برای شما دو نفر بودم؛ او را طلاق دادم، با او ازدواج کن.<sup>۱</sup>

وقتی عبدالله بن سلام این اخلاق و ایثارگری امام **†** را دید از خواب غفلت بیدار شد و دانست که امام برای شکست توطئه معاویه به این ازدواج سیاسی اقدام نمودند. معاویه نیز با شنیدن این خبر سخت بر آشفت و یزید کینه امام حسین **†** را به دل گرفت.<sup>۱</sup>

۱. یا بِنِ السَّلَامِ نِعَمَ الْمُحَلِّلِ كُنْتُ لَكُمَا، هِيَ طَلَقٌ. (ابن عساکر، ۱۳۵۶، ص ۲۰۳)

### نقش امام حسین † در ممانعت از ازدواج یزید

یزید تنها در مورد ارینب نقشه‌اش توسط امام نقش بر آب نشد؛ زیرا او مردی بوالهوس و شهوت‌پرست بود. حکایت زیر، نمونه‌ای دیگر در این زمینه می‌باشد:

گویند روزی مروان به سراغ عبدالله بن جعفر (همسر حضرت زینب *f*) رفت و از دختر او ام کلثوم برای یزید خواستگاری کرد. عبدالله گفت: «اختیار دختر با دایی او (امام حسین †) است.»

مروان به سراغ امام † آمد و جواب منفی شنید. امام † نیز بی‌درنگ ام کلثوم را به عقد یکی از جوانان بنی‌هاشم در آوردند.

وقتی خبر به یزید رسید، بی‌اندازه عصبانی شد و کینه امام را (افزون بر کینه قبلی‌اش) به دل گرفت و قسم خورد که انتقام می‌گیرد.<sup>۲</sup>

اما آنچه در این ازدواج سیاسی حایز اهمیت است:

۱. کرامت و عزت بخشیدن به شخصیت زن: امام با این کار فرخنده خویش، با تفکر ابزاری شدن وجود زن و فرض نمودن زن به عنوان ملعبه در دست مردی همچون یزید به مخالفت پرداختند.

۲. توجه امام † به اهداف و شخصیت پلید یزید: امام بزرگوار به این علت که از اهداف مادی گرا و هوسرانی‌های یزید آگاه بود، برای خنثی کردن هدف پلید وی دست به این امر نیکو زدند.

۱. این حکایت از کتاب فرهنگ سخنان امام حسین † اقتباس گردیده است. (ر.ک به: منابع و مآخذ)

۲. این روایت به اختصار از دائرة المعارف اسلام اقتباس شده است. (ر.ک به: منابع و مآخذ)

۳. احساس مسئولیت امام در برابر زندگی افراد جامعه در حیطة خانواده: امام **†** با توجه به تأکید اسلام بر حفظ نهاد خانواده و تأثیر مستقیم آن بر فرد، با این کار خود نخواستند نهاد مقدس خانواده با کار احمقانه و بوالهوسانه یک شخص فاسد مورد تعرض قرار گیرد، و در نهایت هم دوباره امام **†** این نهاد را احیا کرد.

۴. ابهت و عظمت شأن امام **†** در برخورد و چگونگی عملکرد ایشان در جایگاه یک محلل بنا به گفته خود ایشان: امام **†** در نهایت ایثار و ابهت دست به این کار و اخذ چنین تصمیمی زدند؛ تصمیمی که سرانجام ختم به خیر شد.

۵. توجه امام **†** به جو مادی گرایی در جامعه: امام چون به این امر واقف بود و اقدام سبک سرانه عبدالله بن سلام را برای رسیدن به زخارف دنیا، به منزله فروپاشی زندگی او می دانست، هم برای احیای عبدالله بن سلام و هم برای پا گرفتن مجدد زندگی مشترک او با ارینب، پس از شنیدن ماجرا از ابوهریره، اقدام به جا و به هنگام خود را عملی نمودند تا هم فرد و متعاقب آن جامعه را نجات دهند. در واقع، آن حضرت با چراغ نجات خود، زندگی افرادی همچون عبدالله بن سلام و ارینب را احیا کردند و آنها را در کشتی نجات خود گرفتند. ایشان در مورد خواهرزاده خود ام کلثوم هم این گونه عمل نمودند؛ و به حق که حسین **†** همان «مصباح الهدی و سفینه النجاة» است.

#### ازدواج موقت (متعّه)

یکی از احکام اسلامی و سنت اجتماعی رسول خدا... ازدواج موقت (متعّه) است که توسط ائمه اطهار ۱۰۰٪ استمرار یافت.



بسیاری از مردان یا زنان مشکلات و محدودیت‌های اجتماعی فراوانی دارند که نمی‌توانند در ازدواج دائم باشند و از طرفی، نمی‌خواهند دچار گناه شوند. تنها راه حل شرعی مشکلات جنسی آنان، ازدواج موقت است. ازدواج موقت یکی از سنت‌های ارزشمند الهی است.

امامان معصوم ۱۰۰٪ به این سنت الهی عمل کردند و مؤمنان جامعه اسلامی به آن توجه داشتند.

رویکرد بادرایت امام حسین † در ازدواج موقت حاکی از آن است که مسیری که امام در آن گام برمی‌دارد احیاگر سیره نبوی . . . است. در واقع، این نوع ازدواج، یک ضرورت اجتماعی است و برای جلوگیری از روابط نامشروع و عدم سقوط در ورطه زناست.

راوی از امام کاظم † درباره متعه سؤال کرد. امام † فرمود: متعه بدون هیچ قید و شرطی حلال و مباح است برای کسی که خداوند او را به ازدواج دائم بی‌نیاز نکرده است. او باید به وسیله متعه، عفاف خود را حفظ کند و اگر به وسیله ازدواج دائم، از متعه بی‌نیاز شد، در صورتی متعه برای او مباح است که از همسر خود (به واسطه سفر و...) غایب باشد.<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۳۹۳ق، ج ۸، ص ۴۷۸)

نیز حضرت به بعضی از موالی خود نوشتند: اصرار بر متعه نکنید، بر شماست که اقامه سنت کنید. به وسیله متعه، خود را از همسران دائمی باز ندارید....<sup>۲</sup> (همان،)

۱. هِيَ حَلَالٌ مُطْلَقٌ لِمَنْ لَمْ يَغْنِهِ اللَّهُ بِالتَّزْوِيجِ فَلَيْسَتْ عِفْفٌ بِالتَّمَتُّعِ، فَإِنْ اسْتَعْنَى عَنْهَا بِالتَّزْوِيجِ فَهِيَ مُبَاحٌ لَهَا إِذَا غَابَ عَنْهَا.

۲. لَا تَلْخُوا عَلَى الْمُتَمَتِّعِ، إِنَّمَا عَلَيْكُمْ إِقَامَةُ سُنَّةٍ، فَلَا تَسْتَعْلُوا بِهَا عَنْ فَرَشِكُمْ وَ حَرَائِرِكُمْ.

امامان معصوم ما ضرورت ازدواج موقت (متعّه) را در جهت حلیت و مشروعیت متعه دیده و تصریح فرموده‌اند: متعه نسیم رحمت است که خداوند بر امت محمد . . . وزانده و اگر از آن نهی نمی‌کردند، هیچ کس محتاج به زنا نبود، مگر افراد بدبخت.<sup>۱</sup> (همان، ص ۴۵۵)

البته عمل زنا، احتیاج طبیعی نیست، بلکه طبق بعضی از روایات، زائیده شقاوت و انحراف است و شبیه احتیاجی است که شخص معتاد به الکل و هر وئین دارد.

در واقع، لحن ادله تشریح ازدواج موقت، نمایانگر گشایش راهی در تنگناهای زندگی است و چنین به نظر می‌رسد که ازدواج موقت، بر زخی است میان تجرد و تأهل.

امام صادق **†** نیز در راستای حفظ این سنت نبوی و ضرورت اجتماعی آن می‌فرماید: من نمی‌پسندم که مردی بمیرد و یکی از برنامه‌های پیامبر خدا را به جا نیاورد. پرسیدند: پیامبر خدا متعه کرده؟ فرمودند: آری. (همان، ص ۵۰۷)

وانگهی، وقتی اسلام، تمام کوشش خود را از لحاظ برنامه‌ریزی زندگی خانوادگی و مسائل تربیتی و اخلاقی متوجه تحکیم خانواده و دوام و بقای آن کرده، چگونه ممکن است به گونه‌ای با مسئله ازدواج موقت برخورد کند که نتیجه‌اش سست شدن پایه‌های خانواده و ایجاد دافعه میان زوجین باشد؟!

اسلام برای دل‌بستگی‌های زن و شوهر به یکدیگر زمینه‌ساز است و برای پیدایش گریز و بی‌میلی در میان آنها مانع است و به همین دلیل، پیامبر عظیم‌الشأن . . . فرمودند: «هر گاه یکی از شما متوجه زنی زیبا بشود، باید به سراغ همسر خود برود و نیاز و هیجان خود را دفع کند که در واقع هر دو یکی هستند.» یکی پرسید: اگر همسر ندارد، چه کند؟ فرمودند: «به

۱. ما كانتِ الْمُتَعَةُ أَلَا رَحْمَةً رَحِمَ اللَّهُ بِهَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ لَوْلَا نَهْيُهُ عَنْهَا مَا إِحْتَجَّ إِلَى الزَّوْنِ أَلَا شَفَاءً.

در گاه خداوند خواسته‌اش را بگوید که آن وجود عظیم‌الشان اجابت کننده است.»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۳۴۵)

### امام حسین † و مسئله تعدد زوجات

تعدد زوجات در میان مردمانی همچون مصری‌ها، هندوها، فارس‌ها و حتی رومی‌ها و یونانی‌ها رواج داشته است و بیشتر این تعدد زوجات در میان قبایل و خاندان‌هایی که زندگی‌شان قبیله‌ای است، نظیر ده‌نشینان و کوه‌نشینان اتفاق می‌افتد. این تعدد زوجات به دلیل مقتضیات و شرایط زندگی آنان بوده که این‌گونه می‌طلبیده است. (میرچا، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴)

اما اسلام قانون ازدواج با یک زن را تشریح کرده و با بیشتر از یک همسر، یعنی تا چهار همسر، در صورت تمکن با رعایت عدالت در میان آنها، موافقت نموده و فرموده: «**وَالَّذِينَ عَلَىٰهَا أُولَٰئِكَ مِمَّا أَوْفَرْتُمْ**» (بقره: ۲۲۸)؛ یعنی: مردانی که توان و قدرت و امکانات مالی و شرایط اخلاقی مناسبی دارند و می‌توانند عدالت را رعایت کنند، نگذارند زنانی در جامعه اسلامی بی‌شوهر بمانند.

اگر این فرهنگ با تمام شرایط و مقرراتش در جامعه اسلامی به صورت یک ارزش مطرح شود، ریشه‌های روابط نامشروع خشکانده خواهد شد.

رسول گرامی . . . و امامان معصوم ۱۰۰٪ به این سنت ارزشمند اجتماعی عمل کردند. در این حیطة، حضرت اباعبدالله † نیز، هم کلام و هم عملکردشان، حایز توجه می‌باشد.

۱. اشاره دارد به آنکه هر فردی برای ازدواج باید از خداوند استجابت همسری مناسب نماید تا خداوند از

فضل خود او را بر خوردار سازد. (ر.ک به: نساء: ۱۷۳)

روزی جمعی از دوستان وارد منزل امام حسین **†** شدند؛ فرش‌ها و پرده‌های نو مشاهده کردند، گفتند: در منزل شما چیزهایی می‌نگریم که در خانه رسول خدا . . . نبود.

امام حسین **†** فرمودند: ما با زنانی ازدواج کردیم، و عادت ما آن است که مهریه زنان را بعد از ازدواج به آنها می‌پردازیم و چون همسران ما امکانات مالی پیدا می‌کنند برای خود لوازم خانه می‌خرند؛ اینها به ما تعلق ندارد.<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۵۸۶/کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۴۸۶، ح ۱)

در کلام و عمل امام چند نکته حول تعدد زوجات حایز اهمیت است:

۱. قایل شدن به مسئولیت دادن مهریه همسر سریعاً پس از عقد ازدواج: با توجه به اینکه اکثر زوج‌ها مهریه زن را تنها به عنوان تزینتی و چیزی که وجود داشته، فرض کرده و در صدد عمل به آن نیستند، امام **†** تأکید دارند مهریه زن را پس از عقد ازدواج باید به وی داد.

۲. قایل شدن استقلال مالی برای همسر و زن: این عملکرد امام **†**، تأکیدی بر حفظ استقلال مالی زن و منبعی مالی برای او (مهریه) اوست، حال آنکه در کشور شیعی ما بسیاری از افراد حتی برای زنان و همسران شاغل خود استقلال مالی قایل نیستند و آنان را تحت فشار قرار می‌دهند.

۳. حفظ کرامت و استقلال شخصیتی برای همسر و زن: با اینکه امام بزرگوار از تعدد زوجات برخوردارند (پنج همسر)، اما این حرکت ایشان درسی است برای همه مردان مسلمان، بلکه همه مردان جهان که جایگاه زن و همسر باید به عنوان یک انسان با تمام

۱. اَنَا نَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَنُعْطِيَهُنَّ مَهْرَهُنَّ قَيْسْتَرِينَ بِهَا مَا شِئْنَ لَيْسَ لَنَا فِيهِ شَيْءٌ.

در جات خود محفوظ بماند. امام † با عظمت و شکوه خود آن قدر به همسر خویش اهمیت و ارزش می دهند که نه در خرج مهریه همسر اعمال نظر می نمایند (در واقع، برای سلیقه همسر خویش ارزش قایلند) و نه پس از ارائه مهریه به همسر، آن را دیگر از آن خود می دانند.

#### نتیجه

حسین † آبروی همیشه تاریخ است. حسین † وسعت نظری ژرف دارد و این وسعت نظر در حیطه مسائل مربوط به ازدواج هم خود را نشان داده است. با بررسی کلام و عملکرد امام † در ابعاد مختلف مسئله ازدواج، می توان نتیجه گرفت: عظمت و ابهتی که ایشان به عنوان یک انسان کامل و در جایگاه یک همسر و یک مرد برای زن قایل هستند بی نظیر است و در کمال احترام، چه با همسران خود و چه با زنان در جامعه، برخورد می نمایند و تحمل کوچک ترین بی احترامی نسبت به ساحت زن در قالب ازدواج را ندارند و این را در برخورد خود با یزید در رابطه با مسئله ارینب و خواهرزاده خویش ام کلثوم نشان دادند. امام † به عنوان انسان کامل، ازدواج را در اخلاق، ایمان، سادگی و تسریع در آن زیبا می بینند و حق و حقوق زن را در ازدواج محترم می شمارند و تلاش شان در تداوم سیره نبوی . . . و احیای آن است؛ حتی در حیطه مسائل مربوط به ازدواج.

## منابع

- قرآن کریم.
- تلمود، کتاب مقدس، ترجمه فارسی، انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل.
- ۱. ابن عساکر، علی بن حسن؛ تاریخ ابن عساکر (در زندگانی امام حسین ؑ)؛ [بی جا]:المحمودی، ۱۳۵۶.
- ۲. ابن هشام؛ سیره النبویه؛ تهران: شرکت سهامی خوارزمی، ۱۳۶۱.
- ۳. اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمه؛ ایران: دار الطباعة کربلائی محمد حسین طهرانی، ۱۲۹۴ق.
- ۴. اصفهانی، ابوالفرج؛ الاغانی؛ قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۹۶۳م.
- ۵. \_\_\_\_\_؛ مقاتل الطالبین؛ دار الاحیاء الکتب العربیه، ۱۳۶۸ق.
- ۶. بابازاده، علی اکبر؛ مسائل ازدواج و حقوق خانواده؛ [بی جا]: بدر، ۱۳۷۰.
- ۷. بروجردی؛ جامع احادیث شیعه؛ [بی جا]: [بی نا]، ۱۳۸۰ق.
- ۸. بهشتی، احمد؛ داستان زنان قهرمان؛ تهران: آیین جعفری، ۱۳۵۱.
- ۹. پطرس، فرماج؛ ایضاح التعليم المسيحي؛ [بی جا]: مطبعة الابعاء المرسلین الیسوعیین، ۱۸۸۲م.
- ۱۰. پیچ، ریموند؛ ما و فرزندان ما؛ تهران: امیر کبیر، [بی تا].
- ۱۱. تمیمی، نعمان بن محمد؛ دعائم الاسلام؛ قاهره: دارالمعارف، ۱۳۸۲ق.
- ۱۲. جوادی آملی، عبدالله؛ زن در آئینه جمال و جلال؛ تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹.
- ۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ لبنان: دار الاحیاء التراث لبنان، ۱۴۰۳ق.
- ۱۴. دریایی، تورج؛ شاهنشاهی ساسانی؛ ترجمه مرتضی ثاقب فر؛ تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
- ۱۵. دشتی، محمد؛ فرهنگ سخنان امام حسین ؑ؛ قم: نشر امیرالمؤمنین، ۱۳۸۸.
- ۱۶. \_\_\_\_\_؛ دائرةالمعارف نوین جهان اسلام؛ قم: کنگره، ۱۳۸۸.
- ۱۷. راوندی، قطب‌الدین؛ الخرائج و جرائح؛ قم: للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
- ۱۸. س. سگری سرور، محمد؛ نظام الزواج فی الشرايع اليهودية و المسيحية؛ [بی جا]: دارالفکر العربی، [بی تا].
- ۱۹. شهیدی، جعفر؛ زندگانی علی بن حسین ؑ؛ [بی جا]: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.

## واکاوی ازدواج در کلام و عملکرد امام حسین † □ ۶۳

۲۰. صفری، محمدعلی؛ زن و شوهر (ازدواج و انتخاب همسر)؛ مشهد: هاشمی نژاد، ۱۳۷۱.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ ترجمه مکارم الاخلاق؛ [بی جا]: فراهانی، ۱۳۵۵.
۲۲. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ طبری؛ تهران: اساطیر، ۱۳۶۸.
۲۳. عطاری کرمانی، عباس؛ امام حسین † آبروی همیشه تاریخ؛ تهران: آسیم، ۱۳۸۲.
۲۴. فلسفی، محمد تقی؛ گفتار جوان؛ تهران: نشر معارف، ۱۳۷۵.
۲۵. فیض کاشانی، ملا محسن؛ محجة البیضاء؛ تهران: مکتبة الصدوق، ۱۳۳۹ق.
۲۶. فیشر، کورت؛ امام حسین † و ایران؛ ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران: بدرقه جاودان، ۱۳۸۰.
۲۷. قمی، شیخ عباس؛ منتهی الآمال؛ تهران: علویون، ۱۳۸۷.
۲۸. کلینی، یعقوب بن اسحاق؛ اصول کافی؛ ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی؛ تهران: علمیه اسلامی، ۱۳۶۷.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ فروع کافی؛ ج ۵، تهران: علمیه اسلامی، ۱۳۶۷.
۳۰. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ لبنان: دار الاحیاء التراث لبنان، ۱۴۰۳ق.
۳۱. مجلسی، محمد تقی؛ روضة المتقین؛ تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ق.
۳۲. مشکینی، علی؛ ازدواج در اسلام؛ قم: الهادی، ۱۳۶۶.
۳۳. مطهری، مرتضی؛ حقوق زن در اسلام؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۱.
۳۴. مظاهری، حسین؛ خانواده در اسلام؛ تهران: شفق، ۱۳۷۵.
۳۵. میرچا، الیاده؛ رساله ای در تاریخ ادیان؛ ترجمه جلال ستاری؛ تهران: سروش، ۱۳۸۱.
۳۶. میشل، توماس؛ کلام مسیحی؛ ترجمه حسین توفیقی؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.
۳۷. مهاجرانی، عطاء الله؛ پیام آور عاشورا؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱.
۳۸. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام؛ مکتبة الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۲۹.
۳۹. نوری طبرسی، حسین؛ مستدرک الوسائل؛ تهران: علی اصغر خوانساری، ۱۳۲۱، (چاپ سنگی).
۴۰. واضح، احمد بن؛ تاریخ یعقوبی؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.